

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۴ - شماره ۲۸ - پاییز ۱۴۰۱

صفحات ۱۰۳ - ۱۳۰ (مقاله پژوهشی)

واکاوی ابعاد جرم شناختی جرم سبز از منظر فقه امامیه و اسناد بین الملل

علی رشیدی* / مریم آقایی بجستانی** / محمد روحانی مقدّم***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

چکیده

جرم سبز به عمل دائمی یا موقتی یا روندی گفته می شود که تأثیر منفی بر محیط زیست، سلامتی افراد یا منابع طبیعی دارد و هرگونه فعل زیان آور به محیط زیست اعم از طبیعی و انسانی محسوب می گردد. در دین اسلام در کنار فرامین عبادی، در زمینه بهداشت و لزوم محافظت از محیط زیست نیز تعلیمات فراوانی به چشم می خورد. گذشته از این که برخی نهادهای فقهی نظیر انفال، حاسبه و مالکیت دربرگیرنده ملاحظات محیط زیستی هستند دستورات و نیز تعلیمات دین اسلام در مورد رعایت حقوق زیست، غالباً جنبه اخلاقی دارد اما در مبانی مختلفی نظیر آیات، روایات، و قواعد فقهی، زوایای مختلف محیط زیست و مبانی جرم شناختی جرائم به وضوح قابل تحصیل است. مطالعه تطبیقی اسناد بین المللی از یک سو، و منابع شرعی از سوی دیگر، حاکی از این واقعیت است که با وجود توافق نامه های بین المللی متعدد در خصوص جرم سبز و مقررات وسیع آن، مبانی فقهی امامیه، هم شمول بیشتری از جرم سبز را در بر گرفته و هم قواعد آن در جهت پیشگیری از وقوع جرم مذکور نسبت به سایر اسناد بین المللی مؤثرتر بوده است. ضمن این که قابلیت ارباب آمیز بودن و قدرت بازدارندگی، وصفی است که مقررات مربوط به این حوزه در راستای کاستن از ارتکاب این جرائم باید بیش از پیش مدنظر قانونگذار قرار گیرد.

کلیدواژه: جرم سبز، محیط زیست، فقه امامیه، اسناد بین الملل.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

** دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده

msol@maqaib@gmail.com

(مسئول)

*** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

مقدمه

از آنجایی که برای هر تصمیم حقوقی و بجا در سیستم عدالت کیفری، وجود مبانی، لازم و ضروری است و همین مبانی، توجیه‌گر افتراقی سازی در حوزه رسیدگی و برخورد افتراقی است، از اینرو در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی مبانی فقهی، حقوقی جرم‌شناختی جرایم سبز در فقه امامیه و اسناد بین الملل می‌پردازیم که بنیان‌های رسیدگی‌های افتراقی به جرائم سبز محسوب می‌شوند و توجیه‌گر افتراقی سازی در رسیدگی به این دسته از جرائم می‌باشند. در داخل کشور، تحقیقات وسیعی به چشم نمی‌خورد که از آن بتوان در تدوین قوانین جدید و جرم‌انگاری جرایم سبز کمک گرفت. می‌توان از مبانی فقهی و اصول و قواعد و احکام و موازین دینی در جهت جلوگیری از بروز جرایم سبز و تبیین و تشریح قوانین، اقتباس و استمداد جست و از جهتی با توجه به کامل بودن دین اسلام و این که حتی در رابطه با جرائم سبز دارای احکام و قواعد و مبانی مستحکمی است آن را اعلام عمومی و ترویج جهانی نمائیم. لذا ضرورت دارد تا با توجه به این که بسیاری از جرایم در قلمرو جرایم سبز هستند لکن قابل مجازات نیستند جرم‌انگاری جدید در خصوص بسیاری از جرایم سبز بر پایه و مبنای احکام فقهی و الهی صورت پذیرد.

توسعه تمرکز جرم‌شناسی بر ایراد ضرر به محیط زیست و گونه‌های گیاهی و جانوری از ایده آل‌هایی است که اخیراً با پیدایش جرم‌شناسی جهان بوم در حال برداشتن نخستین گام‌های خود در مسیر تحقق آن است. اینها ضررهایی هستند که از مرزهای ملی فراتر می‌روند و آینده حیات بر روی سیاره زمین را تهدید می‌کنند و در چارچوب مفهوم و معیارهای ضرر در جرم‌شناسی جریان غالب نمی‌گنجند. خطوطی که تاکنون انسان‌ها برای محافظت از خود ترسیم کرده‌اند و حتی برای آن کشته شده‌اند، پیرامون اموال و مرزهای زمینی کشورهای خود بوده است؛ اما هوا، آب، زمین و پرندگان مهاجر هیچ نقشی در این مرزهای مورد حفاظت نداشته‌اند. اگر جرم‌انگاری،

تجلی مهم ترین ارزش های مورد حفاظت جامعه است، ما اکنون به دسته جدیدی از جرایم نیاز داریم که به دنیای واقعی بپردازد و مرزها و نسل ها را در نوردد. لذا هدف آرمانی پژوهش، جرم انگاری جامع در خصوص جرایم سبز جهانی است تا با استفاده از مبانی فقهی و احکام و موازین الهی در سطح ملی و بین المللی مورد تصویب قانونگذار داخلی و فرامرزی قرارگیرد و خلأ قانونگذاری مرتفع گردد؛ تدوین قانون جامع تر و بروز رسانی قانون که تمام جوانب جرایم سبز را در بر داشته باشد و تدوین قانون جدید با اقتباس از فرامین الهی به نحوی که خود این قانون قبل از اجرا پیشگیری فردی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد. اما هدف اصلی از طرح این موضوع و بررسی تطبیقی آن که مدنظر آرمانی بوده است تلاش در جهت ایجاد زمینه های لازم برای افزایش سطح دانش و آگاهی زیست محیطی مردم جهان و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز جامعه با پایه فقهی و دینی در زمینه حفاظت از محیط زیست و حمایت از نهادهای مدنی حفاظت از محیط زیست و بسط و توسعه زمینه فعالیت آنان و پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی و حمایت لازم از محیط زیست با وضع قوانین کیفی و مدنی و اداری بر مبنای اصول و قواعد فقهی و بسط و گسترش احکام و اصول و قواعد فقهی و الهی در این زمینه و احیای سنت ها و فرامین فراموش شده دین اسلام در این خصوص در سطح جهان است.

گرچه در زمینه مباحث فقهی مرتبط به محیط زیست نمی توان از مجموعه آثار فقهی قرون گذشته، شیوه نظام واری را متناسب با نیازها و دریافت های بشر معاصر به دست آورد ولی در لابلای مباحث فقهی از قبیل طهارت، جهاد، لقطه، احیای موات، صید و ذباحت و حتی حدود و دیات می توان بحث های متنوع و مرتبطی یافت. در همین بخش ها صدها خبر و حدیث متنوع هم در مجموعه های روایی به چشم می خورد که بحث های فقهی معمولاً بر محور آنها طرح شده است.

۱- جرم سبز در اسناد بین الملل

جرم سبز در اسناد بین الملل، تعریف واضحی ندارد اما به صورت پراکنده از جرم شناسی سبز و جرم سبز توصیفاتی وجود دارد که به شرح ذیل تشریح می گردد:

مایکل لینچ و پل استرتسکی معتقدند که دو گونه تعریف از جرم سبز وجود دارد: مورد اول، مبتنی بر نقض قوانین زیست محیطی است و تأثیر نژاد، جنسیت و قدرت را نادیده می گیرد که به آن تعریف شرکتی از جرم سبز نیز می گویند و مورد دوم، که جرم سبز را به صورت عملی تعریف می کند: الف) ممکن است یا ممکن نیست نقض قوانین موجود زیست محیطی باشد؛ ب) دارای نتایج و پیامدهای زیست محیطی است؛ ج) متناسب به اعمال انسانی است؛ و به همراه آن نابرابری های نژادی، طبقه ای و جنسیتی و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی قوانین زیست محیطی را در نظر می گیرد (گرگی فرد، ۱۳۹۵: ۲۸).

بزه سبز ناظر بر فعل یا ترک فعلی است که به محیط زیست آسیب زند؛ البته در مورد ضرر در کشورهای مختلف، اختلاف نظر وجود دارد اما بر اساس یک قاعده مشهور در صورت وجود شرایط زیر، جرائم سبز فرامرزی تحقق می یابند: ۱- انجام رفتارهای مجرمانه در مرزهای داخلی کشورها، ۲- نفوذ آلودگی در سطح جهانی و بین المللی، ۳- انواع آلودگی های آب، هوا و زمین و رفتارهای مخرب زندگی حیوانات.

راب وایت معتقد است که تعریف کردن جرائم سبز بستگی به یک حالت فلسفی ویژه در روابط بین انسان و طبیعت دارد. آن چیزی که آن را به عنوان عملکرد صحیح یا غلط زیست محیطی تلقی می کنیم تا اندازه بسیار زیادی بستگی به معیار استفاده شده در مفهوم سازی ارزش ها و منافع بیان شده در این روابط دارد که این مفهوم سازی ارزش ها و منافع در رویکرد انسان محوری، زیست محوری و بوم محوری منعکس شده است. وایت در اینجا بدون این که به تعریف متعارف و قانونی جرم توجه

داشته باشد بر مسأله رویکردهای فلسفی اشاره می‌کند؛ و اگرچه به تعریف جرم سبز اشاره ای ندارد اما تلویحاً این منظور را می‌رساند که مفهوم جرم و آسیب باید فعالیت‌هایی را دربر گیرد که ممکن است قانونی و مشروع باشد، اما تأثیر منفی بر افراد و محیط زیست دارد؛ نتیجه رویکرد مذکور این خواهد بود که جرم شناسان باید بدون توجه به چارچوب‌های قانونی و با بررسی این که چه کسی به واقع با آلوده کردن خاک، آب، قطع درختان، هوا و تجاوز به حریم سایر گونه‌ها مبادرت می‌کند، به بررسی آسیب‌های زیست‌محیطی پردازند، که این مسأله همچنین شامل انتقاد از عملکرد دولت‌ها و شرکت‌های فراملی برای ایجاد و رشد انواع خاصی از آسیب و ناکامی در طرح مناسب یا قانونگذاری فعالیت‌های خطرناک می‌باشد. نکته‌ای که در مورد جرم سبز وجود دارد این است که اگرچه در تعریف قانونی آن یک تعریف راه‌حل نسبتاً ساده وجود دارد و به راحتی می‌توان با استناد به قانون، جرائم سبز را شناسایی کرد اما در این طرف قضیه که جرم شناسان سبز قرار دارند، بیشتر مشکلات ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف از جرم سبز است.

استنباط‌های متفاوت همچنین می‌تواند منجر به تصویب قوانین متفاوت در خصوص این مسأله شود که چه چیزی مجاز است و چه چیزی نیست و در نهایت، باعث عدم هماهنگی در این موضوع شود که چه چیزی جرائم علیه محیط زیست را تشکیل می‌دهد؟ به بیان دیگر، سهم قابل توجهی از آسیب‌ها ناشی از قوانینی است که با رضایت جامعه به اجرا در می‌آید. پچار، جرم‌شناس اسلوونیایی و نویسنده «جرائم زیست‌محیطی و جرم‌شناسی» معتقد است که جرائم سبز مانند انواع جرائم دیگر، منحصرأ یک اصطلاح حقوقی نیست بلکه با بسیاری از اصول علمی دیگر فهمیده می‌شود. به عقیده پچار، جرائم سبز هر عمل دائمی یا موقتی یا روندی است که تأثیر منفی بر محیط زیست، سلامتی افراد یا منابع طبیعی دارد؛ شامل: ساخت، تغییر، واگذاری، تخریب بناها، زباله‌سازی و آشغال‌زایی، نفوذ آلودگی در آب، هوا یا خاک، نقل و

انتقال مواد مایع خطرناک، خسارت یا تخریب منابع طبیعی، کاهش تنوع بیولوژیکی یا کاهش منابع ژنی طبیعی و سایر فعالیت ها یا مداخلات که محیط زیست را در معرض خطر قرار دهد.

باید این نکته را متذکر شد که پچار از جمله جرم شناسانی است که جرائم سبز را در زمره جرائم یقه سفید قرار می دهد. در یک تعریف نسبتاً ساده آمده است که جرائم سبز شامل تمامی تخلفاتی است که مربوط به محیط زیست باشد؛ اعم از تخلفاتی که به وسیله قانون موضوعه، یا تحت عنوان قانون عرفی بسط یافته باشد.

از دیدگاه کلیفورد، جرم سبز، فعالیتی است که با قصد تخریب کردن یا باعث تخریب شدن سیستم بوم شناختی و زیست شناختی، برای منافع تجاری یا شخصی صورت می گیرد. کلیفورد معتقد است که ماهیت جرائم سبز باعث شده است که نتوانیم تعریف جامع و مانعی از آن به دست دهیم و این که بر طبق هر تعریفی که برای جرائم سبز داشته باشیم به ناچار این تعریف باید به همراه خود، مکانیسم های حمایت از محیط زیست را در بر داشته باشد؛ به عبارت دیگر، هر تعریفی مستلزم توجه به مکانیسم های حمایت کیفری با توجه به تعریف است و نکته دیگر این که هر کدام از کشورها نیز با توجه به نیازهای اقتصادی شان قائل به تعریفی دلخواه و به موجب آن مکانیسم های دلخواه برای حمایت از محیط زیست هستند (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

در یک جمع بندی می توان گفت جرم شناسان در تعریف اصطلاحی جرم سبز اتفاق نظر ندارند، اما از نظر مفهومی می توان گفت جرم شناسی سبز به معنای بررسی آسیب ها و جرائم زیست محیطی از نظر جرم شناختی است و همگان بر تأمل درباره جرائم و آسیب های زیست محیطی، آسیب دیدگان و واکنش به مرتکبان این جرائم، توافق دارند. در سطح نظری تر، جرم شناسی سبز مایل به پژوهش در مورد شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که منجر به جرائم زیست محیطی می شود. در سطحی فلسفی، جرم مناسی سبز مرتبط با انواع آسیب هایی است که باید به عنوان

جرم مطرح مود و موضوع علم جرم شناسی قرار گیرند (علی اکبری و چمنی، ۱۳۹۸: ۶۷).

۲- انواع جرایم سبز در اسناد بین الملل

جرایم سبز فراملی بر اساس طبقه بندی موضوعی به سه نوع: جرایم عام مربوط به دگرگونی طبیعت و جرایم خاص مربوط به دفع پسماند و جرایم جهانی تقسیم می شوند.

۲-۱- جرایم عام مربوط به دگرگونی طبیعت

در راستای بهره برداری از طبیعت و استخراج منابع آن و کسب سود، جرم سبز در سطح جهان به چهار صورت تحقق می پذیرد:

الف) کاهش منابع: استخراج مواد معدنی و انرژی های تجدید ناپذیر بدون توسعه انرژی های جایگزین و زیاده منابع تجدیدپذیر همچون ماهی ها و چوب های جنگلی سبب کاهش منابع شده است. نابودی تنوع زیستی در سه قلمرو اصلی آن (ژن ها، گونه های جانوری و زیست بوم ها) به سرعت در حال انجام است و پنج عامل مؤثر در نابودی تنوع زیستی (تغییرات زیست بومی، بهره برداری گزاف، آلودگی، گونه های جانوری بیگانه و تغییرات اقلیمی) نیز به شدت در حال افزایش هستند. برخی دیگر نیز بر این باورند که برداشت های غیرقانونی، حمل و نقل و فروش حیوانات و گیاهان محافظت شده، تنها تخمین تجارت غیرقانونی اسلحه و مواد مخدر را ممکن ساخته است. در عصر کنونی، گونه های جانوری و گیاهی کاهش یافته اند به طوری که سالانه ده میلیون هکتار از جنگل ها نابود می شوند.

ب) مشکلات دفع: پسماندهای تولید شده در فرایند تولید، توزیع و مصرف، آلودگی ناشی از دگرگونی طبیعت، سوزاندن سوخت های فسیلی و استفاده از مواد تمام شدنی.

یکی از مسائل مهم در تاریخ پسماند، کالایی شدن آن در حد وسیع است. ریشه امر، انتقال پسماندها توسط شرکت های فراملی پس از جنگ جهانی دوم است که از پیامدهای انتقال پسماندها، گسترش انواع آنها می باشد. بسیاری از شرکت ها پسماندها را خریداری و آنها را به انبارها منتقل می کنند. از اینرو، پسماندهای مختلف از نواحی متفاوت در کنار یکدیگر جمع می شوند و ترتیبات تنظیم پول بدین معناست که جمع آوری زباله ها درآمدزا است. گرچه دفع پسماند در گذشته با تولید محصولات در کارخانه ها در ارتباط بود و افراد ساکن در اطراف کارخانه ها را تحت تأثیر خود قرار می داد، اما امروزه کالایی شدن پسماند دو نتیجه را به همراه داشته است: ادغام بسیاری از پسماندها به زباله های عمومی تشخیص ناپذیر و انتقال پسماندها از کارخانه ها به مکان های دیگر از جمله دریاها و کشورهای کمتر توسعه یافته حوزه کارائیب، آفریقا و آسیا. به عبارت دیگر، میان تولید و مصرف زباله تفاوت وجود دارد. تغییرات دراماتیک گونه ای نیز پس از جنگ جهانی دوم در محتوای پسماندها به وجود آمده است. به عنوان مثال، افزایش استفاده از مواد شیمیایی و پسماندهای سمی همچون آلاینده های آلی پایدار و رشد روزافزون صنعت های شیمیایی به معنای تولید انبوه پسماند، جمع آوری و دفع آنها (در رودخانه ها، دریاچه ها و اقیانوس ها) است. پدیده پسماند الکترونیکی نیز به مثابه شکلی نوین از زباله ها نیازمند بررسی دقیق (بازیافت) است. نایلون به عنوان نقطه برجسته انقلاب صنعتی (در حضور انبوه پلاستیک ها در محیط زیست) با تولید ریز تراشه ها عصر نوینی از تولید کالاها (و گسترش آن به تمام قلمروهای زندگی اجتماعی) را آغاز کرده است. پسماندهای الکترونیکی شامل رایانه های از کار افتاده، تلویزیون ها و تلفن های همراه می شود (وایت، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

ج) استثمار طبیعت توسط شرکت ها: ارتباط میان جرائم سبز و جرائم یقه سفید و شرکتی از اینجا ناشی می شود که اغلب فعالیت های بنگاه های اقتصادی، در ارتباط با منابع طبیعی و محیط زیست می باشد؛ چه به صورت بهره برداری از منابع و

ایجاد مشکلات ناشی از بهره برداری بیش از حد، و چه به صورت پسماندهای ناشی از تولیدات صنعتی که باعث آلودگی محیط زیست شهری و محیط زیست طبیعی می شود و یک مورد دیگر نیز به حوادث ناشی از فعالیت های صنعتی بر می گردد. باید توجه داشت که مورد اخیر بیش از سایر موارد، مخرب تر و بیشتر مورد توجه جرم شناسان قرار گرفته است. تخلفات شرکتی می تواند باعث آسیب فیزیکی قابل توجهی شود؛ از جمله برای کارگران در محل کار یا برای مشتریان در ایمنی مواد مصرفی و برای شهروندان، ناشی از آلودگی صنعتی.

آژانس حمایت از محیط زیست در آمریکا که مسئولیت اجرای بسیاری از قوانین زیست محیطی را بر عهده دارد هم در وظیفه حمایت از محیط زیست و هم ارتقای منافع صنایع، با چالش ها و تناقضاتی مواجه شده است. زمانی که این آژانس در می یابد که فعالیت های یک شرکت یا دولت، باعث نقض قوانین محیط زیستی می شود بلافاصله مراتب تعقیب جرم را انجام نمی دهد و بیشتر امکان اصلاح مشکل را فراهم می کند. غرامت بعد از ارتکاب جرم زیست محیطی زمانی به شرکت تحمیل می شود که شرکت بعد از دریافت اخطار، دوباره عمل خود را تکرار کند. از همین روست که برخی این آژانس را متهم کرده اند به این که این آژانس حامی منافع شرکت ها و صنایع می باشد. به عقیده بسیاری اگرچه دولت ها مسئول برخی از جرائم زیست محیطی هستند، اما شایع ترین مرتکبان جرائم زیست محیطی شرکت ها می باشند.

اخیراً یک مطالعه نشان داده است که نزدیک به دو سوم شرکت های تولیدی، مرتکب برخی از انواع تخلفات جدی زیست محیطی در یک دوره ۶ ساله شده اند. به طور بسیار آشکار شرکت های جهانی، مرتکب برخی از رسواترین و وسیع ترین نمونه های جرائم زیست محیطی شده اند. برای مثال، در اواخر دهه ۱۹۷۰ کشف شد که

شرکت شیمیایی هوکر^۱ در طول یک دوره ۳۰ ساله، مواد شیمیایی سمی خود را در محلی به نام کانال لاو انبار می کرده است. این عمل تا زمانی که مواد سمی در یک مدرسه و زیرزمین محل اقامت افراد همجوار آن منطقه رسوخ نکرده بود، کشف نشده بود. مثال دیگر، انفجار شیمیایی در بوپال هند در سال ۱۹۸۵ است که باعث مرگ حداقل ۲۵۰۰ نفر از ساکنان آن منطقه شد. در سال ۱۹۸۹ نیز شرکت نفتی اکسون والدرز در یک سانحه دریایی در سواحل آلاسکا مقادیر عظیم از نفت را وارد دریا کرد که با گذشت ۳۰ سال از این حادثه، هنوز اثر پس مانده های نفتی در سواحل آلاسکا دیده می شود. شرکت کارنیوال کروزلاینز نیز از جمله شرکت هایی است که محکوم به رها کردن فضولات و زباله در دریای آزاد در سال ۱۹۹۰ بوده است. هیچ یک از مثال های فوق را نمی توان رویدادی تصادفی دانست، زیرا هر کدام از این جرائم ناشی از بی احتیاطی عمدی در اقدامات پیشگیرانه است. اینها تنها بخش کوچکی از فعالیت های مخرب محیط زیستی شرکت ها بود که غالباً در اثر بی احتیاطی به وجود آمده بود. اما باید توجه داشت که بخش اعظمی از فعالیت های شرکتی و صنعتی که مخرب محیط زیست است، اغلب فعالیت هایی است که قانوناً مجاز است.

بسیاری از جرم شناسان سبز معتقدند که روند وضع قوانین زیست محیطی، اغلب در حمایت از شهروندان در مقابل جرائم زیست محیطی با شکست مواجه شده است، چراکه این قوانین به نوعی دارای مغایرت ذاتی با دولت های لیبرال دموکراتیک هستند. یکی از نویسندگان به نام جی اس دریزک، در کتاب خود با عنوان اکولوژی عقلانی، محیط زیست و اقتصاد سیاسی معتقد است که کشورهای دموکراتیک متمایل به اقتصاد بازاری هستند؛ جایی که تنها منافع تجاری گروهی خاص، مورد توجه است. به استدلال این فرد، تأثیر نامتقارن سود هدایت شده منافع شرکت ها در دموکراسی های سرمایه داری را روشن می کند. دریزک معتقد است که در این کشورها دموکراسی به

1. Hooker chemical company

صورت سیستمی، از منافع این شرکت‌ها حمایت می‌کند، در حالی که گروه‌های محیط زیستی به سختی می‌توانند به اهدافشان برسند؛ در این کشورها، شرکت‌ها به دنبال حداکثر سود هستند بدون این که به ضرورت کیفیت بهتر محیط زیست توجه داشته باشند؛ بنابراین رهبران دموکراتیک، مسئول حمایت از منافع تجاری هستند و ممکن نیست که به ارزش کیفیت محیط زیست توجهی داشته باشند. یک مشکل دیگر که در ارتباط با جرم شرکتی وجود دارد این است که تعریف جرائم شرکتی همانند جرائم یقه سفید بحث برانگیز است (وایت، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

(د) کاهش گونه‌ها: تخریب زیستگاه‌ها و مزیت گونه‌های خاصی از غلات و سبزیجات جهت اهداف تجاری، استشمار گزاف گیاهان و حیوانات به دلیل مصرف کننده مفروض و بازارهای انبوه. تغییر کاربری زمین جهت کسب سود اقتصادی با خوشبختی بشر و بقای حیوانات در ارتباط است. به عنوان مثال، در آرژانتین، جنگل‌های بومی تخریب شده جهت محصولات نقدی دانه‌های سویای اصلاح شده تأثیر بسیاری بر زیستگاه حیوانات داشته است. اتفاق‌های مشابه در اندونزی نیز رخ داده است؛ جایی که جنگل‌زدایی، زندگی بره‌های سوماترای و میمون‌های آسیایی را به خطر انداخته است.

ورود نگرش‌های فناورانه به فرایند آفرینش حیوانات از طریق اندامگان اصلاح شده ژنتیکی یا تزریق هورمون‌ها در حال افزایش است. تأکید بر سود و تأمین مخارج، گاه افراد را به سوی رفتارهای غیر اخلاقی و غیر قانونی همچون سرقت و رشوه سوق می‌دهد. تجارت غیر قانونی گیاهان و گونه‌های جانوری نه تنها موجب ارتکاب جرم سبز فراملی می‌شود، بلکه تنوع زیستی را نیز کاهش می‌دهد.

قاچاق حیوانات وحشی از مرزهای ملی تهدید بسیاری را علیه زیست‌پذیری گونه‌های در معرض انقراض گیاهی و جانوری به وجود می‌آورد و کشورهای متأثر از آفات و بیماری‌ها را نیز شناسایی می‌کند. تجارت غیر قانونی تنها تهدید علیه گونه

های جانوری وحشی نیست. رقابت شدید برای غذا در سراسر جهان علت ماهیگیری غیرقانونی را آشکار می سازد. مسأله در اینجا صرفاً تنوع زیستی نیست، بلکه تخریب عمده پرورش ماهی ها را نیز در بر می گیرد. در هر مورد، خسارت با پدیده هایی چون ماهیگیری گزاف و تخریب زیست بوم ها و قیمت های محصولات در بازار در ارتباط است. کمبود گونه جانوری، محرک اصلی تهاجم های قانونی و غیرقانونی به انواع خاص برداشت محصولات و فعالیت تولیدی است. به موازات افزایش گونه های جانوری، وابستگی به سامانه های فاجعه باری چون آتش سوزی، خشکسالی و تغییرات اقلیمی نیز افزایش می یابد (وایت، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

۲-۲- جرائم سبز خاص مربوط به دفع پسماند

پسماندهای سمی و دفع آنها زندگی بشری، زیست بوم ها و رفاه حیوانات را در اکثر نقاط جهان با چالش مواجه می کند. کمیسیون اروپایی فهرستی از پسماندها را در قالب فهرست زیر شناسایی کرده است:

تولید و مصرف پسماندها، محصولات بدون مشخصات، محصولات منقضی، مواد ریخته شده، از دست رفته و دیگر مواد منقضی از جمله مواد، تجهیزات و ... که آلوده شده اند. مواد آلوده شده توسط کنش های برنامه ریزی شده (به عنوان مثال، باقی مانده عملیات پاکسازی، مواد بسته بندی، ظروف و ...)؛ قسمت های مصرف نشدنی (رد باتری و کاتالیزور از کار افتاده)؛ مواد دیگر که چندان رضایت بخش نیستند (اسیدها و حلال های آلوده، نمک معتدل منقضی و ...)؛ پسماند فرایندهای صنعتی (سرباز، ته مانده و ...)؛ پسماند فرایندهای پیشگیری از آلودگی (لجن، گرد و غبار، فیلترها)؛ ماشین پسماند (ماشین تراش چرخ، مقیاس های ماشین و ...)؛ پسماند استخراج و پردازش مواد خام (پسماند استخراج از معادن و شیب میدان نفتی و ...)؛ مواد تقلبی (روغن های آلوده به بی فیل پلی کلرینه و ...)؛ استفاده از هر محصول غیر قانونی؛ محصولاتی که نگهدارنده از آن استفاده فراوان نمی کند (کشاورزی، خانگی،

اداری، تجاری و فروشگاه؛ مواد با محصولات آلوده در اثر فرایندهای پزشکی با هدف حفظ زمین و هر محصول و مواد دیگری که در فهرست بالا قرار نگرفت. از جمله توافق نامه های بین المللی در خصوص پسماند و آلودگی، می توان به معاهده استکهلم در مورد آلاینده های آلی پایدار؛ معاهده وین در خصوص حفظ لایه اوزون؛ معاهده مونترال در خصوص مواد کاهنده لایه اوزون؛ و معاهده بازل در خصوص انتقال فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها اشاره کرد (وایت، ۱۳۹۵: ۱۵۳؛ همچنین ر.ک: مشکات، ۱۳۹۸: ۷۲۳).

۲-۳- جرایم سبز جهانی

یکی از نتایج گرایش جهانی به مسأله تغییرات اقلیمی، ناآرامی پیش بینی پذیر در خصوص تعارض های اجتماعی است. جریان های موجود در این بین عبارتند از: کاهش منابع زیست محیطی، اثرات گرم شدن کره زمین، دسترسی و استفاده افتراقی از طبیعت و اصطکاک ناشی از انتقال فرامرزی ضرر. به عنوان مثال، اسکیموهای شمال شرق کانادا و گرینلند، به دلیل وجود آلاینده های مختلف در اقصی نقاط جهان، بیشترین مواجهه را با آلاینده های آلی پایدار و جیوه دارند. آنها حق انتخابی هم در این مورد ندارند؛ زیرا ریشه این مشکلات در کشورهای دیگر جهان می باشد؛ لذا در سطح جهانی می توان جرائم سبز را به دو نوع: تغییرات اقلیمی و ناآرامی قابل پیش بینی از تعارضات اجتماعی، تقسیم نمود:

الف) تغییرات اقلیمی

با وجود آن که شواهد کمی در خصوص تغییرات اقلیمی در سطح جهان وجود دارد (به عنوان مثال، ر.ک: سند راهبردی و گزارش های اخیر سازمان ملل) ادله دانش بنیان و تجربیات افراد (از جمله وقایع طبیعی غیر معمول همچون موج گرمای بی سابقه در روسیه و باران های تابستانی پی در پی در کانادا در سال ۲۰۱۰) این نکته را تأیید می کنند که در بسیاری از نقاط جهان، تغییرات اقلیمی، تهدیدی جدی به شمار می

رود و اکثر دولت ها نیز این مشکل را تأیید کرده اند و به دنبال راه های شناسایی آن هستند.

اگر فعالیت بشری را به عنوان ریشه تغییرات اقلیمی در نظر بگیریم آنگاه به این نتیجه می رسیم که ایجاد تغییرات در شاخص های تولید محصولات مختلف در سراسر جهان ضروری است. به عنوان مثال، الگوهای تولید و مصرف جهانی و شوق دسترسی به انرژی تجدیدناپذیر (که استفاده از منابع انرژی مخرب مانند نیروگاه با سوخت زغال سنگ را توجیه می کند) در حال افزایش است (این امر خود موجب آلودگی و تولید پسماندهای صنعتی می شود). نسبت دادن گرم شدن کره زمین به فعالیت های انسانی موجب ایجاد مسئولیت برای کشورها و واحدهای صنعتی می شود؛ از اینرو، کاهش خطر و سازگاری در این سناریو منوط به نظام جبران خسارت و هشدار دهی نسبت به وضعیّت موجود است (وایت، ۱۳۹۵: ۹۷).

درک ما از گرم شدن کره زمین و پاسخ دهی به آن با انتظارات مهم در مورد اصول کنشی بالقوه همراه می شود. پدیده گرم شدن کره زمین، چگونگی افزایش دمای زمین را در دوره ای کوتاه توصیف می کند. تغییرات اقلیمی نیز پیامدهای مرتبط با افزایش دما را تبیین می کند که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: تغییر سطح دریاها و تغییر وضعیت اقیانوس ها؛ اثر تغییرات آب و هوایی بر محیط زیست محلی و تأثیر آن بر حیوانات و گیاهان بومی؛ مرگ مرجان ها؛ و تغییر الگوهای مهاجرت پرندگان.

در سال های اخیر برخی از اسناد بین المللی، ارتباط میان جنبه های تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین را شناسایی کرده اند؛ از جمله اسناد بین الملل در این خصوص، معاهده سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی مصوب ۱۹۹۲؛ معاهده سازمان ملل متحد برای مقابله با بیابان زایی؛ و توافق نامه تخته و الوار گرمسیری بین المللی مصوب ۱۹۹۴ می باشد.

ب) تعارضات اجتماعی

یکی از پیامدهای گرایش جهانی شدن، کارزار مقابله با تعارضات اجتماعی است. دولت‌ها در انتقال فرامرزی ضرر و حوادثی که ضرر را از یک کشور به کشور دیگر منتقل می‌کند، همواره به مرز ملی خود توجه می‌کنند. تعارضات اجتماعی به مثابه تعارض میان افراد و دولت‌ها، نیازمند قاعده‌سازی، حلّ مشکل و گاه جبران خسارت است.

جهت تحقّق این اهداف، تمرکز اصلی، چهار حوزه خاص است که درک تغییرات اقلیمی و انتقال زیست محیطی موجب افزایش تعارضات اجتماعی شده‌اند؛ این حوزه‌ها عبارتند از: تعارض در خصوص: منابع زیست محیطی (مثل آب)؛ پدیده گرم شدن کره زمین (مهاجرت ناشی از تغییرات آب و هوایی)؛ بهره‌برداری افتراقی از منابع؛ انتقال ضرر (آلودگی فرامرزی).

مرز در بسیاری از ضررهای زیست محیطی از جمله آلودگی و جابجایی آلاینده‌ها از طریق آب و هوا مفهومی ندارد. مرزها در ایراد ضرر زیست محیطی توسط برخی مواد نیز نقشی ندارد؛ زیرا علت این امر گرم شدن کره زمین است. با وجود این، تغییرات اقلیمی تمامی افراد را صرفنظر از مکان زندگی و موقعیت اجتماعی، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

اثر تغییرات اقلیمی بر افراد مختلف، متفاوت است. گفته‌ها در خصوص بزه دیدگی جهانی، تفاوت‌های عمده برخوردار گروه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماع با این پدیده را بر حسب میزان خطر و متغیرهای پیشگیرانه، وارونه جلوه می‌دهد. تعارضات اجتماعی به مثابه بازتاب نابرابری‌های اجتماعی که از طریق تغییرات زیست محیطی قابل سنجش نیست، با تغییرات اقلیمی همراه می‌شود (وایت، ۱۳۹۵: ۹۶). بر اساس یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته، آسیب پذیرترین قشر در برابر پیامدهای ناگوار تغییرات اقلیمی، طبقه ناپرخوردار جامعه هستند.

۳- جرایم سبز در فقه امامیه

موضوع جرایم سبز از مسائل مهم عرصه فقه و حقوق اسلامی به شمار می رود که زوایای آن به خوبی برای مجامع علمی و دینی روشن نشده است. اهمیت محیط زیست و لزوم حمایت از آن در اسلام به نحوی است که می توان گفت همه شاخه های علوم اسلامی به نوعی با آن مرتبط هستند و علوم قرآن و سنت، عقیده، اخلاق، فقه و اصول فقه، هر کدام به نوعی با آن ارتباط دارند (امیدی و یوسفی پور، ۱۳۹۳: ۱۱). از نظر فقهی، پذیرش مسؤلیت بدون اثبات تقصیر و به عبارت دیگر، وضع مسؤلیت مطلق برای تخریبگران محیط زیست، بی مانع است ولی متأسفانه مبنای عملی دادگاه های ایران که بر اثبات تقصیر مبتنی است، از تخریب های روزمره محیط زیست نمی تواند جلوگیری کند، در حالی که مبنای مسؤلیت مطلق در فقه، امکان پذیرش و کارایی لازم را دارد. تلف مال غیر، از ارکان تحقق مسؤلیت است. اتلاف مواهب مشترک و مصادیق انفال از مصادیق اتلاف مال غیر است؛ گرچه در واقع، مفهوم مال را در عرصه محیط زیست باید اندکی گسترش داد تا مصادیقی چون هوا نیز در محدوده این تعریف وارد شوند. در حقیقت، مال غیر را فقط اموال خصوصی و مصادیق موجود در آن عرصه نباید دانست؛ از سویی حیظه اموال خصوصی در ارتباط با نظریه برگزیده، گاهی بهره برداری از دو قاعده سلطنت بر اموال و اباحه استفاده از انفال، به دلیل تعارض با منافع عمومی، در حیظه قاعده لاضرر محدود گردیده است، چنان که «لاضرر» فقط نفی حکم نمی کند و در موارد تحقق ضرر به دلیل عدم حکم، اثبات حکم نیز می نماید. البته محروم کردن نسل های بعدی از انتفاع از محیط زیست نیز از مصادیق های مشخص ضرر است؛ با این توصیف از منظر فقه جرایم سبز را با دو مبحث مبانی فقهی و قواعد فقهی آن، مورد بررسی قرار می دهیم:

۳-۱- مبانی فقهی جرایم سبز

۱-۱-۳- کتاب

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مشخصاً بر فساد و اتلاف و تخریب زمین دلالت دارد که می تواند مستند احکام محیط زیستی قرار گیرد و بر اصلی بودن مجازات در جرم سبز دلالت دارد؛ از این میان می توان به موارد ذیل به عنوان مهم ترین آنها اشاره نمود:

آیه اول: «چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد» (بقره: ۲۰۵)؛ در توضیح پیرامون نحوه دلالت این آیه باید گفت اگرچه شأن نزول آیه در مورد شخصی به نام اخنس بن شریق ثقفی است که ایشان کشتزار گروهی از مسلمانان را آتش زد و چارپایی را پی کرد لکن با بررسی کتب تفسیری می توان دریافت که اراده تشریحی خداوند بر عدم فساد در زمین است و علاوه بر آن، از بین بردن محیط زیست و محصولات کشاورزی و حیوانات به شدت نهی شده و از مصادیق بارز فساد برشمرده شده است (طباطبائی، بی تا: ۹۶/۲).

آیه دوم: «او خدائی است که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آبادی ساختن زمین برگماشت» (هود: ۶۱). مفهوم مخالف آیه دقیقاً بر این امر دلالت دارد که از تخریب و تلف و از بین بردن زمین و تبعاً محیط پیرامون بشر نهی شده است. برخی از فقها نیز چنین مضمونی را استفاده کرده اند (جصاص، بی تا: ۲۱۳/۳).

آیه سوم: «فساد و پریشانی به کرده خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا ما هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشانیم؛ باشد که بازگردند» (روم: ۴۱). در توضیح پیرامون چگونگی استناد به این آیه کریمه باید گفت همان طور که از منطوق آیه کاملاً مشخص است هرگونه فساد در زمین دارای عقاب و مجازات است و وقتی تصریح دارد به این که فساد در بر و بحر زمین، دارای کیفر است تأکید بر مجازات اشخاصی است که سبب فساد در زمین و محیط زیست خود شده اند.

آیه چهارم: قرآن کریم در چندین آیه درباره آب و اهمیت آن در حیات موجودات زنده سخن گفته است؛ به عنوان مثال در آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؛ از این آیه و نیز روایات موجود در این خصوص، می‌توان فهمید که آلوده نمودن آب از طریق ریختن انواع مختلف مواد آلوده کننده جدید که موجب تغییر شدید و بسیار مضر آب‌ها می‌شوند و آلودگی ناشی از آنها از دیدگاه اسلام ممنوع و حرام هستند (امیدی و یوسفی پور، ۱۳۹۳: ۲۲).

آیه پنجم: «(یوسف به شاه) گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم» (یوسف: ۵۵)؛ این آیه یادآور آن می‌شود که در مقطعی که بحران طبیعی به سوی سرزمین مصر رو آورده بود، حضرت یوسف تدبیر امر ارزاق مردم را برای خود خواست و این خواسته را به این معلّل کرد که از دو ویژگی حفیظ و علیم بودن برخوردار است (طبرسی، بی تا: ۲۴۴/۶)؛ دو ویژگی مهمی که برای تصدّی مناصب حسّاسی همچون اداره امر ارزاق عمومی همواره به عنوان دو شرط لازم و بلکه کافی مورد نظر عقلای عالم می‌باشد. به نظر می‌رسد عبارت «خزائن الارض» عمومیت و شمول دارد و کلیه ذخایر از جمله منابع محیط زیست را در بر می‌گیرد (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵: ۴۳). برخی از مفسّرین با استفاده از عموم آیات مذکور معتقدند که ظاهر این آیات، تمامی انواع فساد که در نظام بشری باعث تهدید کره زمین گردد را شامل می‌شوند (طباطبائی، بی تا: ۹۶/۲)؛ با توجه به نظرات مفسّرین در دلالت آیات مذکور، جرم بودن جرائم سبز را می‌توان تمسّک کرد.

۲-۱-۳- سنت

در روایات انبوهی که کیفیت تعامل با جانوران، گیاهان، اشجار و غیره را بیان می‌کند به درستی معلوم می‌شود که سنت در راستای جرایم سبز قدم ارزنده ای برداشته

است که وجود حسّ مسئولیت در برابر پدیده های طبیعی را نشان می دهد همچنان که در خطبه پنجم نهج البلاغه نیز این امر متبلور است؛ همچنین روایاتی که به رعایت چهارپایان و بلاد توصیه کرده که انسان را در برابر ویران کردن زمین و حتی گرسنه رها کردن حیوانات پاسخگو و مسئول دانسته و به رعایت حقوقشان توصیه کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۰/۶۸)؛ این خود حاکی از مسئول بودن انسان پیرامون پدیده های اطراف خود می باشد.

دسته اول - روایات مربوط به رعایت حقوق حیوانات

فقه اسلامی برای حقوق حیوانات اهمّیت زیادی قائل شده است به گونه ای که به عنوان حقّ الله از آن تعبیر می شود (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۱۱/۲۷). این روایات به گونه ای است که برخی از آنها انسان ها را از کشتن بی رویه حیوانات منع کرده و نهی خاص در این زمینه وارد شده است؛ از قبیل روایتی که پیامبر از کشتن شش گروه از حیوانات نهی کرده است: زنبور عسل و مورچه و قورباغه و صُرَد و هدهد و پرستو (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳: ۴۶۹/۳؛ نوری، بی تا: ۱۲۲/۱۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۱۳۱/۴)؛ انواع آزاررسانی های جسمانی از قبیل آتش زدن، عقیم ساختن، پی کردن، درگیر کردن آنها با یکدیگر و حبس در مکان های کوچک در روایات و احادیث مختلف نهی شده و حتی در برخی روایات از حضرت علی (ع) علاوه بر آزار جسمانی از هر آزار روحی حتی لعن کردن نیز نهی شدید به عمل آمده است؛ این حمایت کیفری در فقه تا جایی است که در برخی روایات از امکان قصاص در صورت آسیب رساندن به حیوان صحبت به عمل آمده است (به نقل از کاظمی و چگینی، ۱۴۰۱: ۷-۸).

در مجموع، اهمّ حقوق حیوانات را می توان تدارک آب و خوراک سالم، جایگاه و شرایط زیستی و روانی مناسب و رسیدگی به بهداشت و درمان آنها (بخصوص با توجه به وجود بیماری های مشترک بین انسان و دام) و بکارگیری شایسته و عدم آزار و سوء استفاده از آنها دانست.

دسته دوم- روایات مربوط به صیانت از محیط زیست

اسلام برای حفظ محیط زیست اهمیت زیادی قائل شده است تا آنجا که حتی در جنگ و قتال با کفار نیز اجازه تخریب محیط زیست داده نشده است. مضمون برخی روایات بیانگر این نکته است که وقتی پیامبر(ص) کسی را به سریه ای می فرستاد با توجه به این که جنگ می توانست آثار مخرب بر محیط زیست داشته باشد ضمن سفارش به تقوای الهی، به عدم سوزاندن نخل ها و عدم قطع درختان توصیه اکید می فرمودند (برای نمونه ر.ک: حرّ عاملی، ۱۳۸۹: ۴۴/۹؛ کلینی، ۱۳۶۷: ۳۰/۵).

از سوی دیگر، روایاتی که در دین اسلام بر حفاظت از آب در برابر آلودگی و حرمت اسراف در مصرف آن تأکیدات زیادی نموده است مؤید همین ادعا می باشد. از جمله این که پیامبر(ص) فرموده‌اند: «لایبولن أحدکم فی الماء الدائم الذی لایجری: هیچ کس نباید در آب راکد بول کند» (بخاری، ۱۹۸۷: ۹۴/۱؛ مسلم، بی تا: ۱۶۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۷۲). همچنین فرموده‌اند: «کسی که جنب است نباید در آب راکد غسل نماید» (مسلم، بی تا: ۱۶۳/۱). پیامبر اکرم از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی و نهر آب نیز نهی فرموده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۰/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۳۲۵/۱) این احادیث و احادیث فراوان دیگر به صراحت از آلوده نمودن آب نهی نموده‌اند. همچنان که در روایاتی از کراهت آلوده کردن زمین، سواحل رودخانه ها، طرق، زیر درختان میوه دار و استراحتگاه های مردم سخن به میان آمده است؛ همچنین موضوع آلودگی هوا نیز در آموزه های فقهی به طور خاص مدنظر قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، از حرمت القای سمّ در بلاد مشرکین در اثنای جهاد اسلامی سخن به میان آمده است (محقق حلّی، ۱۴۰۹: ۲۳۶/۱). از دیدگاه فقهی مترقی، به خوبی می توان تکلیف انواع آلاینده گی های هوا در جهان معاصر را دریافت؛ اعمّ از آن چه که در شرایط صلح با ازدیاد عمل سوختن و احتراق در صنعت یا نشت گازهای سمّی در

فضا روی می دهد و یا آن چه در اثر ساخت و انباشت و بکارگیری سلاح های غیر متعارف در جریان جنگ ها به وقوع می پیوندد (امیدی و یوسفی پور، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۴).

۳-۱-۳- دلیل عقل

از نظرگاه عقل، هرگونه اقدام انسانی که موجب بر هم خوردن توازن و تعادل محیط زیست شده و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت نوع بشر شود، قبیح است، همچنان که در مقابل، حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن موجب حفظ نظام و بقای نوع و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل، مسأله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است و آرای عقلا جملگی بر آن استقرار یافته و شارع هم به عنوان رئیس عقلا - و بلکه أعدل عقلا - و خالق عقل با این حکم همراه گشته است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، و جوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است. بی گمان، به هم خوردن این نظم، مشکلات اساسی پدید می آورد و آسیب های جدی به انسان وارد می سازد. هر اقدامی بدان منتهی شود ظالمانه و قبیح می باشد و در برابر هر تلاشی برای تحکیم نظم و سازمان محیط زیست از آنجا که موجب تسهیل و تیسیر کمالات آدمیان است عادلانه و نیکو خواهد بود. ناگفته پیداست این بیان از دلیل عقل آن را در زمره غیر مستقلات عقلیه قرار می دهد؛ چراکه بر نگرش دینی و نصوص شرعی درباره جایگاه انسان در مجموعه آفرینش مبتنی است (فخلعی و تاریمرادی، ۱۳۸۵: ۳۷). بنابراین، آن چه مقتضای تدبّر و تعقل در منابع است این که از آنجا که مجموعه دستور های آسمانی بر محور وجود آدمی گرد آمده است هرگز انتظار نمی رود دین در برابر پدیده محیط زیست که ارتباط تنگاتنگی با حیات انسان دارد موضع سکوت و بی تفاوتی اتخاذ نماید.

از منظر دیگر می توان گفت که حمایت از محیط زیست برای حفظ ضروریات پنجگانه (دین، نفس، نسل، مال و عقل) لازم است؛ چراکه اقدام علیه این محیط، موجب فوت یا اختلال آنهاست. مصالح حاجیات که وجودشان موجب تسهیل و

تمشیت طبیعی جریان امور و فقدانشان مایه وقوع در مشقت است و حتی تحسینیات که وجودشان زینت بخش زندگی است، تنها در بستری ایمن و مورد اعتماد به نام محیط زیست قابل تأمین و تداوم است (امیدی و یوسفی پور، ۱۳۹۳: ۱۵).

لازم به ذکر است که حکم عقل در مقوله محیط زیست از جمله احکام مبتنی بر حسن و قبح اقتضایی است. به بیان دیگر، حسن اقدام به اصلاح محیط زیست و جلوگیری از هدم آن، اقتضایی و قبح اقدام به تخریب و نابودی آن هم اقتضایی است و این دو علت تامه برای حسن و قبح نمی باشند، بدان جهت که عناوین الزامات مربوط به محیط زیست، قطعی، همیشگی و استثناء ناپذیر نیست؛ چه آن که در شرایط تزاخم با مصلحت برتر، مصلحت سلامت محیط زیست مغلوب می شود. به درستی معلوم است اگر احیاء و اصلاح محیط زیست، علت تامه برای حسن، و تخریب و هدم آن علت تامه قبح بود هرگز استثناء در آن راه نمی یافت (بیگ و نوروزی، ۱۳۹۶: ۶۰-۶۴).

۲-۳- قواعد زیست محیطی فقهی

قواعد فقهی سازنده احکام هستند و قواعد مربوط به زیست محیطی نیز سازنده احکامی می شوند که مقررات حفاظت از محیط زیست را شامل شده و در نتیجه، از تجاوز و تخریب محیط زیست جلوگیری می نمایند؛ در این قسمت، برخی از این قواعد را به اختصار تبیین می کنیم:

الف: قاعده اتلاف

مطابق قاعده اتلاف که از عبارت «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» استنتاج شده است هرگونه اتلاف مال مشمول ضمان بوده و متلف باید مثل یا قیمت مال تلف شده را بپردازد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۵/۲)؛ در این معنا مال علاوه بر اموال خصوصی، شامل اموال عمومی نیز می شود که بارزترین مصداق آن محیط زیست می باشد. جالب این که در یکی از روایاتی که مستند قاعده اتلاف قرار گرفته است به

برخی از مصادیقی اشاره شده است که از مصادیق محیط زیست می باشد: «قضی فی من قتل دابّه عبثاً أو قطع شجره أو أفسد زرعاً أو هدّم بیتاً أو عورّ بشراً أو نهراً أن یغرّم قیمة ما استهلک و أفسد و ضرب جلدات نکالا و إن أخطأ و لم یتعمّد ذلك فعليه الغرم و لا حبس و لا أدب ...» (همان: ۲۷/۲). به موجب این قاعده، اگر کسی با ایجاد آلودگی های محیط زیستی به گونه ای به طبیعت آسیب رساند که باعث تخریب و اتلاف سرمایه های طبیعی همگانی شود مکلف به جبران خسارت است.

ب: قاعده لاضرر

این قاعده مهم فقهی که ریشه در آیات و روایات داشته و همچنین عقل و اجماع نیز بر آن دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹-۴۲؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۵). در حوزه محیط زیست، اعمال قاعده لاضرر، به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد (فهیمی و عرب زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۲)؛ در این راستا، محیط زیست دایره ای به گستردگی تمامی محیط پیرامونی انسان دارد که تمامی ابعاد متعدّد آن می بایست مورد محافظت قرار گیرد؛ از اینرو هرگونه فعالیتی که به محیط زیست آسیب وارد نماید به موجب قاعده لاضرر قابل توقّف بوده و باید جبران خسارت نیز گردد. در این معنا، قاعده لاضرر شامل ضررهای عمومی هم می شود که ضررهای وارد بر محیط زیست معمولاً از سنخ ضررهای عمومی می باشند که حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می دهند. البته در مرحله قانونگذاری نیز قانونگذار جامعه حق ندارد قانونی وضع کند که به تخریب و انهدام محیط زیست بینجامد؛ به علاوه، هرگونه رفتاری از سوی مردم که به اضرار محیط زیست بینجامد غیر مشروع و مشمول نهی تکلیفی است؛ ضمن آن که به ویژه بر اساس دیدگاه امام خمینی(ره) که لاضرر را نهی حکومتی انگاشته اند وظیفه دولت اسلامی برای مقابله با رفتارهایی از این قبیل که از سوی آحاد جامعه یا بخش هایی از مراکز صاحب نفوذ و قدرت انجام بگیرد حتمیت می یابد (تاریمرادی و

فخلعی، ۱۳۸۵: ۵۳)؛ بنابراین، قاعده لاضرر نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می شود بلکه ضمان خسارت های ناشی از هرگونه اقدام تخریبی یا ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زنده قرار می دهد.

ج: قاعده ضمان ید

به موجب این قاعده، کسی که موجبات تضرر به غیر را فراهم نماید مسئول شناخته می شود. این قاعده بر گرفته از بنای عقلا، سیره مشرع و حدیث «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» (بیهقی، بی تا: ۹۵/۶) می باشد. برخی مفاد حدیث را جعل حکم تکلیفی دانسته اند که بدین وسیله شارع وجوب حفظ مال و رد آن در صورت استیلا را گوشزد می کند. ولی طبق نظر مشهور شارع به موجب این حدیث ضمانت مالی را که مورد استیلا قرار گرفته بر عهده مستولی قرار داده است. بر اساس این قاعده بدیهی است که در صورت استیلا بر منابع محیط زیست باید در راستای حفظ آن کوشید و در صورت ایراد نقص، ارش و در صورت تلف و انهدام آن، ضمان بر عهده فرد ثابت خواهد بود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۵۵/۲).

د: قاعده مصلحت

یکی از مفاهیم کلیدی در فقه شیعه، مفهوم مصلحت است که بر اساس آن، احکام فقهی دائر مدار مصالح و مفاسد هستند و مقصود شاره، دستیابی به مصالح پنجگانه (حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال) می باشد. مقاصد محیط زیستی که در زمره مصالح ضروریه می گنجد حفاظت فقهی از آن از باب مصلحت قابل توجه می باشد. بر این اساس، هر چیزی که به محیط زیست ضربه زده و در اثر آن مصلحت مسلمین مورد تهدید قرار گیرد باید مورد ممنوعیت قرار گیرد و در مقابل، هر چیزی که از نظر محیط زیستی، تأمین کننده و تضمین کننده مصالح عامه باشد باید انجام پذیرد. بحران های محیط زیستی و رسیدن آنها به نقطه خطرناک باعث می شود که اینگونه از مقاصد از درجه اهمیت بسیاری در مقام قانونگذاری و برنامه

ریزی برخوردار شوند و عدم توجه به آنها باعث از بین رفتن موضوع بسیاری از دیگر مصالح می شود که عدم جدی به حفاظت از آب ها، از این نمونه می باشد (فهیمی و عرب زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این مقاله می توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

۱- بررسی ابعاد جرم شناختی جرم سبز و تطبیق این مهم در فقه با اسناد بین المللی ضرورتاً به عنوان یک مکانیسم کارکردی و راهکار مؤثر در مبارزه و پیشگیری از جرائم سبز کاربرد دارد.

۲- در مبانی صریح فقهی از جمله ادله نقلی نظیر آیات و روایات متعدد و نیز دلیل عقل و تأمل در گزاره هایی که در این ادله مورد توجه قرار گرفته است نظیر منع از جنگ و عواقب و آثار سوء آن بر جامعه انسانی و محیط زیست پیرامون و حقوق حیوانات و حق حیات جانوران و بهداشت محیط زیست و حق تولید مثل سالم و حفاظت از گیاهان و منع آلودگی منابع محیط زیست مثل آب، هوا و زمین، ابعاد جرم انگاری جرم سبز قابل تحصیل می باشد.

۳- قواعد فقهی از قبیل قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب، ضمان ید و مصلحت، از جمله قواعدی هستند که راز پویایی و انطباق پذیری فقه اسلامی بر حوادث نوپیدای جامعه در آنها نمایان گشته است؛ لکن در سطح جامعه ملی و در حقوق ایران چنین طبقه بندی صورت نگرفته و در سطح بین الملل نیز با چنین وصفی مواجه نیستیم.

۴- با وجود این که مقررات متعددی در حوزه مبارزه با جرائم سبز وضع شده است ولی تا زمانی که قابلیت ارباب آمیز و قدرت بازدارندگی لازم را نداشته باشد نه تنها از میزان ارتکاب این جرائم کاسته نخواهد شد بلکه اقدام قانونگذار چیزی جز کثرت مقررات در قلمرو جرائم سبز نخواهد بود.

۵- مجازات ها در حوزه جرائم سبز متناسب نیستند که نتیجتاً سبب بی توجهی مرتکبین به مقررات و حتی جری شدن آنان شده است؛ از اینرو اگر در بین ملل، باورها و عقاید مذهبی و دینی به فراموشی سپرده شده و اوامر و نواهی شارع مقدس مورد بی مهری قرار گیرد با آسیب های غیر قابل جبران - حداقل برای نسل های آتی - مواجه خواهیم شد؛ در مقابل طبیعی است که کاربست این فرامین، سبب پیشگیری از وقوع جهانی این جرم خواهد گردید که مهم ترین هدف حقوق جزاست؛ از اینرو ضروری است در تصویب قواعد و مقررات جهانی و ملی از این قواعد و مبانی فقهی و الهی اقتباس صورت گیرد.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳ق)، **عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه**، ج ۳، قم: مؤسسه سید الشهداء(ع).
- امیدی، جلیل؛ یوسفی پور، فرهاد (۱۳۹۳)، **موقعیت و مبانی ارزش گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده ها در فقه اسلام**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۰، ۷-۳۰.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۷م)، **الجامع الصحیح المختصر**، ج ۱، بیروت: دار ابن کثیر.
- بیگ، محمد سهراب؛ نوروزی، کوروش (۱۳۹۶)، **سیاست جنائی اسلام و ایران در قبال جرایم زیست محیطی**، تهران: قانون یار.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی (بی تا)، **السنن الکبری**، ج ۶، بیروت: دار الفکر.
- تاریمرادی، احسان؛ فخلعی، محمدتقی (۱۳۸۵)، **مبانی و احکام فقهی محیط زیست**، مطالعات اسلامی(فقه و اصول)، ۷۱، ۶۶-۳۱.
- جصاص، احمد بن علی رازی (بی تا)، **احکام القرآن**، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۰۶ق)، **المستدرک علی الصحیحین**، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حسینی روحانی، سید محمد (۱۴۱۳ق)، **القواعد الفقهیّه**، ج ۵، قم: چاپخانه امیر.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، **العناوین الفقهیّه**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۱، چ ۲، تهران: استقلال.
- طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (۱۳۸۵)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۶، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، **تهذیب الاحکام**، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- علی اکبری، رستم؛ چمنی، نادر (۱۳۹۸)، **جرم شناسی سبز و جرائم و آسیب های زیست محیطی**، تمدن حقوقی، ۵، ۶۶-۹۲.
- فهیمی، عزیز الله؛ عرب زاده، علی (۱۳۹۱)، **مبانی فقهی حقوق محیط زیست**، پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۱/۱۳، ۱۸۹-۲۰۹.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴)، **درآمدی بر جرائم زیست محیطی**، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ۳۴ و ۳۵، ۱۱۴-۱۲۴.
- قاسمی، ناصر (۱۳۸۵)، **مبانی تحقق جرم زیست محیطی**، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ۴۱، ۵۴-۸۶.
- کاظمی، سید سجاده؛ چگینی، حامد (۱۴۰۱)، **حمایت کیفی از حیوانات اهلی حرام گوشت؛ از مبانی اخلاقی تا آسیب شناسی تقنینی و قضایی**، مجله اخلاق زیستی، ۳۷، ۱-۱۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، **الکافی**، ج ۵، چ ۳، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گرجی فرد، حمید رضا (۱۳۹۵)، **جرم شناسی سبز**، تهران: میزان.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدر أخبار الائمه الأطهار**، ج ۶۸ و ۷۲، چ ۳، بیروت: مؤسسه الوفاء.

واکاوی ابعاد جرم شناختی جرم سبز از منظر فقه امامیه و اسناد بین الملل ————— ۱۳۰

- مسلم، حجاج (بی تا)، **الجامع الصحیح**، ج ۱، بیروت: دار الجیل، دار الآفاق الجدیده.
- مشکات، سید مصطفی (۱۳۹۷)، **جرایم پسماند در ایران و ایالات متحده آمریکا**، مطالعات حقوق تطبیقی، ۲/۱۰، ۷۱۹-۷۴۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، **القواعد الفقہیہ**، ج ۳، اصفهان: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷)، **القواعد الفقہیہ**، تحقیق: محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، ج ۲، قم: الهادی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۷، چ ۷، تهران: دار احیاء التراث العربی.
- وایت، راب (۱۳۹۴)، **جرائم علیه طبیعت جرم‌شناسی محیط زیست و عدالت زیست محیطی**، تهران: مجد.
- وایت، راب (۱۳۹۵)، **جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم**، تهران: میزان.

